

فلسفه تنهایی

لارس اسونسن

www.ketab.ir

ترجمه

خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۴۰۱

A Philosophy of Loneliness

Lars Svendsen

Reaktion Books, London, 2017

فلسفه تنهایی

لارس اسونسن

ترجمه خشایار دیهیمی



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره ۱۳

تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: دهم، ۱۴۰۱ (اول، ۱۳۹۷)

شمارگان: ۱۳۰۰

سرپرست مجموعه: خشایار دیهیمی

نقاشی روی جلد: بهرام طوری

حروفچینی: شبستری

صفحه‌آرایی: سید امیررضا منظورالاجداد

چاپ و صحافی: سپیدار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: اسونسن، لارس، ۱۹۷۰م. □ عنوان و نام پدیدآور: فلسفه تنهایی

/لارس اسونسن؛ ترجمه خشایار دیهیمی □ مشخصات نشر: تهران،

فرهنگ نشرنو، ۱۳۹۷ □ مشخصات ظاهری: چهارده + ۲۲۵ ص □ شابک:

۹-۰۷۹-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا □ عنوان اصلی:

A Philosophy of Loneliness □ موضوع: تنهایی -- جنبه‌های روان‌شناسی

□ شناسه افزوده: الف. دیهیمی، خشایار، ۱۳۳۴، مترجم؛ ب. عنوان: فلسفه

تنهایی □ رده‌بندی کنگره: الف ۱۳۹۷ ۵ الف ۸۵/ت BF۵۷۵ □ رده‌بندی

دیویی: ۱۵۸/۲ □ شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۲۷۶۸۶

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۴-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: www.nashrenow.com

قیمت: ۸۰۰,۰۰۰ ریال

فهرست

www.ketab.ir

سخن سرپرست مجموعه / ۱۰

پیشگفتار / ۳

فصل اول	جوهر تنهایی / ۱۹
فصل دوم	احساس تنهایی / ۴۱
فصل سوم	چه کسانی احساس تنهایی می‌کنند؟ / ۶۱
فصل چهارم	تنهایی و اعتماد / ۸۳
فصل پنجم	تنهایی، دوستی و عشق / ۹۷
فصل ششم	فردگرایی و تنهایی / ۱۲۷
فصل هفتم	خلوت‌گزینی / ۱۴۷
فصل هشتم	احساس تنهایی و مسئولیت / ۱۷۹

یادداشت‌ها / ۱۹۳

نام‌نامه / ۲۱۹

سخن سرپرست مجموعه

«فلسفه» در همه کشورها و همه فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پرابهت است. کتاب‌های فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌گیرند که متناسب با همین ابهتشان باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالای تاقچه. عموم مردم هم به دیده احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتابخوان عادی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را یدک می‌کشد. به نظر آنها فلسفه خواندن کار هر کسی نیست و بنابراین عطایش را به لغزش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این تصور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم و توضیحاتی بدهیم. اکثراً سؤالی که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چیست؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری حکمت» یا «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غالباً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟

اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می‌دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و

میدان می‌گشته است و سؤال‌هایی فلسفی را با رهگذران در میان می‌گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمولی «محاوره» نامیده می‌شود. اما سؤال‌های «فلسفی» سقراط از چه جنسی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال‌هایی را مطرح می‌کرد که با زندگی و شخصیت و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف محاوره، که لزوماً فیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال‌ها پرهیز نمی‌کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال‌ها از هرکس پرسیده شود هرگز نمی‌گوید این بحث‌ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آنها نمی‌شوم. اما هرچه از دوران سقراط فاصله گرفتیم و علی‌الخصوص پس از ارسطو و کتاب مابعدالطبیعه‌اش، فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظری سیستماتیک. آن دسته اول همان راه سقراط را در پیش گرفتند، یعنی طرح سؤال‌هایی که به هرکس و کلاً به زندگی ربط پیدا می‌کند و پاسخ به این سؤال‌ها «راه زندگی» هرکس را معین می‌کند. اما عده بیشتری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث‌های کلی و انتزاعی پیچیده پرداختند و اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی بود. دسته اول اکثراً به تجربه‌های زندگی و علی‌الخصوص زندگی خودشان استناد می‌کردند و سعی می‌کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و روش زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته‌های اینان بسیار شبیه نوشته‌های ادیبان و شاعران بود. برای همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان شاعر و ادیب می‌خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان‌هایی که دل از نوجوانان می‌ربایند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری

سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می‌دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می‌کردند افرادی گمراه و خودفریفته قلمداد می‌کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی‌اش، که هرچه بهترکردن زندگی است، دور می‌کنند و بدل به دانشی کاذب که به هیچ کار نمی‌آید. افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کی‌یرکگور، امرسون و کلاً اگزیستانسیالیست‌ها را می‌توان در دسته اول قرار داد و حتی شاید بتوان ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرسی (اسکولاستیک) آغاز می‌شوند و به فیلسوفان زبان ختم می‌شوند. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، هیوم، کانت و بسیاری دیگر. این بحث البته دامنه بسیار گسترده‌ای دارد، اما هدف من از طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل برای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته‌ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می‌کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه ما از کودکی سؤالاتی طرح می‌کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که این سؤال‌های فشرده در این بیت گاه‌به‌گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم. در واقع همه این سؤال‌ها فلسفی هستند: از کجا آمده‌ایم، که هستیم، چه باید بکنیم، معنای زندگی‌مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همه خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان

بر شیوه زندگی و عملمان تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به درد نخور مختص عده قلیلی نیست. کتاب‌های «فیلسوفان هنر زندگی» با ما سخن می‌گویند و ما از طریق سخن گفتن با آنها به شیوه‌ها و راه‌های درست‌تر عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیستنی کردن جهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم نظر اغلب نویسندگان و مترجمان فلسفه معطوف به کتاب‌های نظری سیستماتیک است، کتاب‌هایی که خوانندگان احساس می‌کنند که نویسنده‌اش اصلاً تلاشی نمی‌کند تا زندگی را با همه آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، دردهایش، خوشی‌هایش، سرخوردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خلاصه فراز و نشیب‌هایش درک کند، درگیرشان شود، و ما را نیز همراه با خودش درگیرشان کند. برعکس، این احساس به خواننده دست می‌دهد که با عقایدی انتزاعی روبه‌روست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که در زندگی‌مان با همه این پدیده‌ها سروکار داریم و نیازمندیم که هرچه بیشتر از وضع زندگی‌مان و خصوصاً احساساتمان سر دریاوریم، دست به داورهای ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داورهای ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعه کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این سؤال می‌پردازند و در نتیجه ما به لبه پرتگاهی دوسویه کشانده می‌شویم که یک‌سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمیز درکردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پاسخ‌هایی دم‌دستی به

این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان آسان برای همه مشکلات همگان پیش پا می‌نهند که همه با آنها آشنا هستیم: ۴۰ راه برای خوشبختی، ۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب، ۵۰ توصیه برای زندگی زناشویی، و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افراد، که نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرضه کرد که کارگر هم بیفتد. این کتاب‌ها اکثراً به نظر من خطرناک هم هستند، زیرا افراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای می‌پیچند که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطیر است که جامعه ما و آحادش را تهدید می‌کند. البته هرگز نمی‌توان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان به چنین نیاز معطل مانده‌ای پاسخ داد، اما به هر حال شاید گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عقل، بلکه با شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام حکم قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست، بلکه با نور تاباندن بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های مسائل زندگی و دعوت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه‌حل‌های مخصوص به خودمان، یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همه فیلسوفان هنر زندگی دغدغه‌اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، نوع دوستی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش‌ها، شخصیت، همزیستی مسالمت‌آمیز، ترس، درد، بیماری، ملال، و...